

انتقال خسارت - شیوه مقابله با ریسک

از: نادر مظلومی

تحمل شود در آن صورت ریسک منتقل شده است. در برنامه ریزی‌هایی که برای مدیریت ریسک انجام میگیرد استفاده از این شیوه در سه حالت زیر ملموس می‌شود:

الف - خسارت بالقوه بیش از آن است که سازمان بتواند آنرا توسط منابع مالی خود جذب کرده و قادر به دستیابی به اهدافش باشد.

ب - سازمان قانوناً ملزم به انتقال ریسک است و یا عنداللزوم ناشی از یک قرارداد است.

ج - انتقال ریسک ولو اینکه استفاده از شیوه‌های جذب و پذیرش خسارت امکانپذیر است، کارآمدترین روش اداره خسارتهای شمار می‌آید.

بعنوان مثال در مورد بند الف فرض کنید که نظام مالی مؤسسه‌ای بتواند تا مبلغ / ۱۰۰,۰۰۰ ریال خسارت وارد به وسیله نقلیه مورد استفاده‌اش را تحمل کند. ولیکن امروزه با توجه به افزایش هزینه تعمیرات و یا جایگزینی تصادفاتی که به بیش از این مبالغ منجر شوند از احتمال وقوع نسبتاً زیادی برخوردارند.

بدین لحاظ خرید بیمه برای خسارتهای مازاد بر ۱۰۰,۰۰۰ ریال ضرورت می‌یابد. نمونه بند (ب) را در قوانینی می‌توان یافت که کارفرمایان را ملزم به بیمه کردن کارگران و دارندگان وسائط نقلیه موتوری را موظف به بیمه کردن مسئولیت خویش در قبال اشخاص ثالث، می‌کند. گنجاندن شرطی در قبض پارکینگ مشعر بر مسئول نبودن پارکینگ در مقابل اشیاء بسرقت رفته از داخل اتومبیل نیز نمونه‌ای از مورد سوم (بند ج) است.

همانطوریکه در مثالهای فوق مشاهده می‌گردد ریسک به سه طریق انتقال می‌یابد. قوانین (شبه جرم)، قراردادهای بیمه‌نامه‌ها مسیرهایی می‌باشند که انتقال ریسک از آنها می‌گذرد.

در طی مقالاتی که در شماره‌های پیشین فصلنامه پیرامون مدیریت ریسک به رشته تحریر درآمد، روشهای شناسائی، تجزیه و تحلیل و مقابله با ریسک مورد بحث و اشاره موجز قرار گرفت. اینک در نوشتار زیر به یک روش دیگر از مقابله با ریسک اشاره می‌کنیم که عموماً "انتقال ریسک نامیده میشود. انتقال ریسک را می‌توان دقیقاً "نقطه مقابل روش پذیرش و یا جذب خسارت دانست.

در پذیرش خسارت هدف آن است که با توسل به شیوه‌های مالی گوناگون و از طریق تجهیز منابع مالی موجود سازمان را در مقابل خسارتهای ناشی از وقوع خطرات و حوادث احتمالی ایمن سازیم. اتحاد این روش موجب کاهش ریسک و یا کاهش احتمال و شدت وقوع حوادثی که سازمان در معرض آن قرار گرفته است نمی‌شود. بالعکس، بکارگیری شیوه‌های مختلف پذیرش خسارت مبین پذیرش واقعیت خسارتهای احتمالی آتی از محل امکانات مالی سازمان است.

انتقال ریسک همانطوریکه ذکر شد در نقطه مقابل روش فوق قرارداد دوعلی‌رغم پذیرش واقعیت خسارتهای بالقوه تلاش می‌کند تا در صورت بالفعل شدن چنین خسارتهائی منابع مالی سازمان حداالامکان دست‌نخورده باقی ماند و بعبارتی در صورت وقوع آسیب و صدمه فیزیکی، زیان مالی آن متوجه سازمان نگردد. از طریق انتقال ریسک در واقع دل‌نگرانی که در رابطه با وقوع خسارتهای وجود دارد به فرد یا سازمان دیگری که به پذیرش ریسک دیگران اشتغال دارد منتقل میشود.

بنابراین هرگاه ترتیبی اتخاذ گردد که بر مبنای آن کل یا بخشی از یک خسارت توسط فرد یا سازمانی بغیر از مؤسسه‌ایکه خسارت بدو "متوجه او بوده است

انتقال خسارت توسط قرارداد

در غالب قراردادهای مرحله‌ای از انتقال ریسک مشاهده می‌شود. بخشی از این انتقال بعلت طبیعت قرارداد صورت می‌پذیرد و با گنجانیدن شرایط صریحی در آن می‌توان اقدام به انتقال بخش دیگر کرد. مثالهای متعددی را می‌توان در این زمینه مطرح کرد که قرارداد حمل از آن جمله است.

صاحب کالائی که خود اقدام به حمل محمولاتش می‌کند، ریسکهای ناشی از این عمل را تا آنجا که اقدام دیگری از قبیل خرید بیمه بعمل نیاورده باشد پذیرفته است. چنانچه همین شخص کالاهایش را برای حمل در اختیار یک حمل‌کننده قرار بدهد، با این عمل بلافاصله بسیاری از ریسکها به متصدی حمل منتقل می‌شود. قوانین موضوعه و قرارداد فی مابین که در این مثال بارنامه است، میزان و نوع ریسکهای منتقل شده را مشخص می‌کند. بعبارت دیگر با صدور بارنامه که در محدوده قوانین مملکتی صورت می‌پذیرد، مشخص می‌شود که حمل‌کننده در مقابل چه خسارتی مسئول بوده و در چه مواردی بری از مسئولیت است. بنابراین صاحب کالا با انعقاد قرارداد حمل آن بخش از خسارتهای را که متصدی حمل بعلت شرایط قرارداد در قبال آنها مسئول شناخته می‌شود به‌وی منتقل کرده است.

زمانیکه اموال شخصی بطور ارادی و بمنظور، مراقبت، تکمیل تولید، تعمیرات و غیره در ید اختیار و کنترل دیگری قرار می‌گیرد اصول امانت‌داری حاکم می‌گردد. قراردادهای فروش نیز مبین نوعی دیگر از انتقال ریسک می‌باشند.

بر اساس قرارداد فروش مالکیت دارائی منتقل می‌شود و این یک نیز بنوبه خود خسارت محتمل را به خریداران جدید انتقال می‌دهد. بدین لحاظ زمان انتقال مالکیت واجد اهمیت می‌شود. فی‌المثل زمانیکه شرکت (A) کالائی را به شرکت (B) می‌فروشد، تعیین زمان انتقال ریسکهای ناشی از مالکیت کالا به شرکت (B) ضرورت پیدا می‌کند. اگر منای قرارداد فروش "فوب روتردام" است، در اینصورت روتردام محلی است که شرکت (A) از آنجا اقدام به ارسال در بای کالای می‌کند. شرکت (B) نیز به مجرد آنکه محمولات در آن محل در وسیله حمل قرار می‌گیرد،

عنوان مالکیت کالا و در نتیجه ریسکهای ناشی از آنرا تصاحب می‌کند.

اما اگر مشخصه قرارداد فروش فرضاً "فوب بندرعباس"، محل انبار شرکت (B) باشد، تا زمانیکه محموله و کالای خریداری شده به بندرعباس نرسیده و آماده تخلیه نشده است، ریسک ناشی از مالکیت نیز متوجه این شرکت نخواهد بود.

مسئولیت در قبال ریسکهای مالکیت را می‌توان تقسیم کرد بنحویکه بخش‌های مختلف آن در دوره‌های زمانی مختلفی منتقل شود. در مثال فوق اگر منای فروش بین طرفین C. I. F (قیمت شامل ارزش کالا، کرایه حمل و بیمه) تعیین شده باشد، شرکت (B) بطور طبیعی به مجرد آنکه محموله در وسیله حمل قرار گرفت مالک شناخته می‌شود. با وجود این شرکت (A) ملزم به پرداخت اولیه هزینه بیمه و کرایه حمل بوده و در قبال خرید بیمه. به‌میزان مکفی مسئول شناخته می‌شود. چنانچه بیمه خریداری شده توسط (A) کمتر از مبلغی باشد که در قرارداد فروش ذکر شده است، خسارت پوشش نیافته را نیز این شرکت باید بپذیرا گردد.

روشهای انتقال ریسک و خسارت توسط قرارداد بسیار متنوع است و به‌موارد مذکور در فوق منحصر نمی‌شود، تنها زیرکی و مهارت طرفین قرارداد و صحیح‌تر آنکه زیرکی یک‌طرف و سادگی طرف دیگر محدوده‌های آن را تعیین می‌کند. همانطوریکه قبلاً ذکر شد هر قراردادی از زاویه دید مدیریت ریسک مبین مرحله‌ای از انتقال خسارت است.

عوامل مؤثر بر انتقال خسارت

اینک با توجه به مباحثی که گذشت می‌توان نتیجه گرفت که در زمان انعقاد هر قراردادی، ریسکهای را می‌پذیریم و بخش دیگری را منتقل می‌کنیم. بدین لحاظ هر قرارداد یا بخش‌هایی از یک قرارداد را که تعیین‌کننده تعهدات طرفین است، یکبار دیگر باید از دید مدیریت ریسک مورد بازبینی قرارداد و نسبت به آن بخش از ریسکها که در تعهد سازمان باقی مانده است، بخش دیگر که به طرف مقابل قرارداد منتقل شده است و نهایتاً "صرفه اقتصادی هزینه‌ای که این

مالی مناسبی را نیز دارد. استفاده مالی که برای پذیرنده ریسک مناسب بنظر میرسد، می‌تواند از نظر انتقال دهنده آن مناسب نباشد. بدین لحاظ هزینه‌ای که صرف انتقال میشود عاملی است که باید مدنظر قرار گرفته و ارزیابی شود. در آن صورت شاید انتقال کارآمدترین روش مقابله با ریسک بشمار نیاید. در خاتمه این بحث می‌توان نتیجه‌گیری کرد که انتقال ریسک با توجه شرایط مذکور در زیر شیوه‌ای مفید محسوب میشود:

- الف - نحوه تخصیص خسارتها مابین انتقال دهنده و پذیرنده ریسک به روشنی و وضوح مشخص شود.
- ب - پذیرنده خسارتها قادر به انجام سریع تعهدات مالی خود بوده و تمایل به این امر نیز داشته باشد.
- ج - کاهش و پیشگیری از خسارتها در حیطه اقتدار و اختیار پذیرنده ریسک قرار داشته باشد.
- د - انتقال خسارتها حداقل از کارآئی سایر روشهای مقابله برخوردار باشد. (از نقطه نظر هزینه و مزایا)

انتقال خسارت توسط بیمه

در غالب قراردادهای و از جمله مواردی که برای ذکر مثال مورد اشاره قرار گرفت ریسک بصورت ضمنی و بعضاً " صریح توسط طرفین انتقال یافته و یا آنکه پذیرفته میشود. در واقع هیچیک از این قراردادهای بمنظور انتقال ریسک منعقد نشده و هدف اصلی از انعقاد آنها تعقیب امور اقتصادی است.

برعکس موارد فوق، در بیمه و قراردادی که بابت آن مورد توافق قرار می‌گیرد (بیمه‌نامه) هدف عمده طرفین انتقال ریسک از یک سوی و پذیرش آن از سوی دیگر است. بیمه‌نامه‌ها بعنوان یک قرارداد ماهیتاً مهمترین ابرار حقوقی انتقال ریسک محسوب می‌شوند. از این روی بیمه بعنوان یک روش بسیار مؤثر مقابله با خسارت برای مدیران ریسک از اولویت خاصی برخوردار است. از این روی بی‌مناسبت نیست که با این تکنیک انتقال و محدودیتهای آن بیشتر آشنا شویم.

تعریف بیمه

بیمه را از دوزاویه می‌توان تعریف کرد. در یک

انتقال دربر داشته است، آگاهانه برخورد نمود. ترجیحاً " چنین بازبینی باید قبل از انعقاد و امضای قرارداد صورت بگیرد.

علی‌رغم آنکه انتقال ریسک توسط قرارداد شیوه مفید و مناسبی برای خلاص از خسارتهای آتی احتمالی است، نباید دچار اشتباه استفاده بیش از حد از آن شویم. بعنوان یک اصل کلی ریسک باید با توجه به امکانات و استعدادی که هریک از طرفین در اداره امور ریسک مربوط دارند، تقسیم شده و منتقل شود. زمانیکه طرفین یک قرارداد بر مبنای توافق خاص بعمل آمده قصد گنجاندن شرایطی را بابت انتقال ریسک دارند، نکات زیر باید مورد تامل قرار بگیرد.

الف - نافذبودن شرایط انتقال از نقطه نظر حقوقی.

ب - توان نسبی هریک از طرفین در اداره ریسکها و جذب خسارات.

ج - هزینه‌ای که مصروف انتقال میشود.

نافذبودن شرایط مربوط به انتقال بعلت ماهیت خود قرارداد و یا قوانین موضوعه می‌تواند با مشکل مواجه شود. درج چنین شرایطی در قرارداد بصورت نامفهوم و مبهم که در غالب موارد با سایر مفاد قرارداد تناقض پیدا می‌کند از جمله این مشکلات است. در این قبیل موارد آراء دادگاهها می‌تواند کاملاً " مغایر اهدافی باشد که طرفین در نظر داشته‌اند. بعلاوه باید متوجه بود آن بخش از شرایط که ناقض منافع عمومی یا قوانین است از نقطه نظر اجرائی و قانونی نافذ محسوب نمی‌شود.

مشکل دیگر توان پرداخت خسارتهای عمده واقع شده توسط پذیرنده ریسک است. اگر توسط قرارداد ریسک را در حالیکه طرف مقابل امکانات لازم برای جبران خسارات را در اختیار ندارد، منتقل کرده باشیم، نتیجه مورد نظر نهایتاً " حاصل نخواهد شد. امکان دارد پذیرنده ریسک در طی قراردادهای دیگری که منعقد کرده است، مجموعاً " بیش از ظرفیت مالی خود ریسکها را پذیرفته باشد، قراردادهای که شرکتهای بیمانکاری منعقد می‌کنند از این جمله اند.

بعنوان یک اصل کلی پذیرنده ریسک در قبال تعهداتی که در طی قرارداد می‌پذیرد، انتظار استفاده

می‌توان آنرا خالی از اهمیت دانست و تجهیز نظام بیمه‌ای کشور، همانطوریکه تجربه کره جنوبی مؤید آن است، می‌تواند یک منبع مالی میان مدت را برای اقتصاد کشور در اختیار قرار دهد.

هزینه بیمه برای جامعه

موارد مورد اشاره در فوق، نکات برجسته‌فوایدی است که می‌توان برای بیمه برشمرد و مجموعه مزایای مترتب بر بیمه بر مراتب بیش از آن مواردی است که ذکر شد. علی‌رغم نکات مزبور بیمه برای جامعه حامل هزینه‌هایی نیز می‌باشد که بی‌مناسبت نیست به آنها نیز اشاره‌ای بشود.

هزینه‌های عملیاتی مؤسسات بیمه از این دست است. بیمه‌گران بمنظور ارزیابی خسارت، تحصیل بیمه، مالیاتها و امور اداری روزمره خود هزینه‌هایی را صرف می‌کنند که به آنها سود عادلانه‌ای رانیز باید افزود. حق بیمه‌های دریافتی محل تامین هزینه‌های مذکور است. در عین حال نیروی انسانی و سایر منابعی که می‌توانست در بخش دیگری از اقتصاد مورد استفاده قرار نگیرد به خدمت نظام بیمه‌ای کشور درمی‌آید.

پیدایش عوامل خطرزای اخلاقی (۱) بعلت وجود و عملکرد بیمه دومین هزینه‌ای است که جامعه متحمل میشود. منظور از عامل خطرزای اخلاقی، انگیزه‌ای است که بیمه در بعضی از افراد و برای ایجاد خسارتهای عمدی ایجاد می‌کند. موارد دیگری از مطالبه دروغین خسارت، بهره‌برداری بیش از حد از خدمات بیمه‌ای، افزایش هزینه‌ها در بخشی از خدمات بعلت بیمه و غیره را نیز می‌توان از این دست دانست.

هزینه دیگری که بیمه می‌تواند زمینه‌ساز آن باشد، پیدایش عوامل خطرزای روانی است. بدین ترتیب که برخی از افراد بعلت استفاده از خدمات بیمه‌ای دچار سهل‌انگاریهایی میشوند در صورتیکه در غیاب آن دقت‌های لازم را بعمل می‌آورند. در رابطه با بیمه و پیدایش عوامل فوق‌الذکر مباحث بسیاری مطرح است ولیکن کافی است که اشاره کنیم که معمولاً در قوانین بیمه کشورهای مختلف و روشهای مورد استفاده بیمه‌گران مکانیسم‌های لازم برای جلوگیری از بروز چنین کیفیاتی در نظر گرفته میشود.

مفهوم ساده بیمه تامینی است که توسط بیمه‌گران در مقابل خسارتهای مالی ارائه میشود. در مفهومی پیچیده‌تر بیمه ابزاری است که توسط آن ریسک‌گروهی از افراد یا مؤسسات از طریق پرداخت سهم‌الشراکه متعلقه در یک صندوق گردآمده و از محل این صندوق خسارات جبران میگردد.

از نقطه نظر بیمه‌گذاران، بیمه‌کانالی است برای انتقال خسارت و از دید بیمه‌گران، بیمه ابزاری است برای پذیرش و ترکیب خسارات. وجه مشخصه بیمه بعنوان ابزاری برای انتقال خسارت، گردآمدن و گروهی شدن ریسکها است. زیرا از طریق بیمه‌گر ریسکهای انفرادی ترکیب شده و به صورت جمعی در می‌آیند. پیدایش چنین ترکیبی باعث میشود تا ماهیت ریسک برای گروه تغییر یافته و با تکیه بر قوانین آمار و ریاضی بیش بینی و تخمین خسارات منتظره امکانپذیر شود.

مزایای بیمه برای جامعه

بیمه نیز مانند سایر نهادهای اجتماعی-اقتصادی مزایا و هزینه‌هایی را برای جامعه دربر دارد. مزیت اولیه بیمه جبران خسارات اتفاقی و ناگوار برای افراد و مؤسسات است و غرامت پرداختی موجب ادامه تولید در اقتصاد کشور میگردد.

بیمه در عین حال متضمن فواید نامشهود ولیکن بسیار مهم دیگری نیز می‌باشد. زیرا باعث میشود که ریسک و عدم اطمینان بیمه‌گذاران از میان برداشته شده و عکس‌العمل منفی آنان نسبت به این دو مورد و تبعات اقتصادی آن تعدیل شود. در عین حال بیمه موجب کاهش ریسک، عدم اطمینان و عکس‌العمل منفی کل جامعه نیز می‌گردد.

مزیت دیگر بیمه وجوهی است که نزد مؤسسات بیمه انباشته میشود. بدین سبب این مؤسسات از جمله منابع عمده بازار سرمایه در یک جامعه بشمار آمده و وجوه لازم برای سرمایه‌گذاریها را می‌توانند فراهم آورند. در کشورهای توسعه یافته نقش مالی بیمه اهمیت بسزائی داشته و بعضاً "همردیف بانکها ارزیابی میشود. در کشورهای در حال توسعه بیمه نقش دست دومی را در بازار سرمایه بازی می‌کند. با وجود این

محدودیت‌های بیمه

علی‌رغم آنکه بیمه ابزار مناسبی برای مقابله با ریسک بشمار می‌آید، ولیکن باید متوجه بود که دامنه عمل آن محدود بوده و شامل حال کلیه ریسک‌های حقیقی نمیشود. قتل از آنکه بیک ریسک از خصالت بیمه‌پذیری برخوردار شود، شرایط زیر را باید احراز کند.

۱- در مرحله اول باید تعداد زیادی از واحدهای متجانس و مشابه در معرض خطرات مشترک وجود داشته باشد. این اصل را درعین حال قانون اعداد بزرگ که یک قانون آماری است دیکته می‌کند. درعین حال باید توجه داشت که هر یک از واحدهای مزبور بطور مستقل در معرض خطر قرار داشته باشند زیرا در غیر این صورت امکان تسری پی‌آمدهای ناشی از وقوع حادثه در یک واحد به دیگری وجود خواهد داشت که نتیجه‌ای جز فاجعه برای بیمه‌گر بوجود نمی‌آورد.

۲- از نقطه نظر امکان تسویه مطالبات، خسارت باید قابل تشخیص در میزان، زمان و محل وقوع و علت باشد. در غیر این صورت ارزیابی آن امکان‌پذیر نخواهد بود.

۲- خسارت منتظره در طی یک دوره عملیاتی معین باید قابل محاسبه باشد. عبارت دیگر اگر نتوان احتمال وقوع حادثه‌ای را محاسبه کرد آن حادثه قابلیت بیمه‌پذیری را نخواهد داشت.

۴- نهایتاً "آنکه خسارت از نقطه نظر بیمه‌گذار باید کاملاً جنبه اتفاقی داشته باشد.

بیمه وسایر شیوه‌های مقابله

بیمه را می‌توان در عمل بعنوان تنها روش مقابله با ریسک بکار گرفت. کما اینکه در حال حاضر در کشور ما نیز در غالب موارد چنین است. ولیکن استفاده مطلوب از بیمه مستلزم آن است که در هماهنگی با سایر روشهای مقابله و بصورت ترکیبی مورد استفاده قرار داد. امکان دارد شیوه‌های پیشگیری از خسارت و کاهش آنرا همزمان با خرید بیمه به اجرا گذاشت. ولیکن ترکیب بیمه با سایر روشهای تامین مالی ریسک و از جمله جذب و پذیرش ریسک توسط مؤسسات کمتر شناخته شده است.

استفاده از بیمه مازاد نمونه مناسبی از ترکیب فوق است. تعبیه مازاد در قراردادهای بیمه این امکان را در اختیار بیمه‌گذار قرار می‌دهد که تا حد مشخصی از خسارتهای خود وی پذیرفته و تحمل کند و مازاد بر مبالغ مزبور در تعهد بیمه‌گر باقی بماند. نتیجه باید کاهش هزینه حق بیمه برای بیمه‌گذار باشد. علت را می‌توان در فراوانی بیشتر خسارتهای کوچک نسبت به خسارتهای بزرگ و کاهش هزینه‌های تسویه خسارت بیمه‌گران در رابطه با این خسارات یافت.

ژورنال مجله علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

پاورقی

1- Moral Hazard